

سنجش رابطه مشوق‌های دولتی مهاجرت با تمایل
به مهاجرت معکوس در ایران
(مطالعه موردی کارمندان دفاتر ستادی
وزارت جهاد کشاورزی تهران)

فصلنامه جمعیت. پاییز و زمستان ۹۱

دکتر محمود مشفق

• دکترای جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

هدایت عیدی تراکمه

• کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی تاثیر سیاست‌های تشویقی دولت در تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی می‌پردازد. با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه کارمندان شاغل در دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی تشکیل می‌دهند. نمونه آماری تحقیق ۳۱۹ نفر کارمند است که بر اساس قواعد تعیین حجم نمونه و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. برای تحلیل اطلاعات از آزمون معناداری دی‌سامرز و کرامر و همچنین ضرایب همبستگی اسپیرمن و کای اسکوار استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان کل پاسخگویان به ترتیب ۷۹/۲ درصد، ۰/۸۲ درصد و ۷۵/۵ درصد اظهار نموده‌اند که مشوق‌های پیشنهادی دولت از جمله؛ مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری و سازمانی تمایلات کم و خیلی کمی در آنها برای مهاجرت معکوس ایجاد نموده است. ۷۸/۱ درصد از پاسخگویان موانع اصلی عدم اثر بخشی سیاست‌های تشویقی دولت را در زمینه خروج کارمندان از تهران را تحقق نیافتن و عملی نشدن سیاست‌های پیشنهادی دولت ارزیابی نموده‌اند.

از کل پاسخگویان ۳۹/۸ درصد گفته‌اند که تحت هیچ شرایطی از تهران مهاجرت نمی‌کنند. در حالی که ۳۶/۶ درصد گفته‌اند که در صورت ارائه امکانات در شهرستان‌ها همانند سطح امکانات موجود در تهران، مهاجرت می‌نمایند. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که بین مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و سازمانی دولت با تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان از لحاظ آماری رابطه معناداری اما ضعیف وجود دارد.

واژگان کلیدی: تمایل به مهاجرت معکوس، مشوق‌های اقتصادی، مشوق‌های اجتماعی، مشوق‌های اداری و سازمانی، کارمندان

مقدمه

پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، لکن نوع و ماهیت این مهاجرت‌ها متفاوت است. غالباً در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت روستاییان به شهرها، در درجه اول به سوی شهرهای پایتختی بوده و در جستجوی یک زندگی بهتر و به دست آوردن شغل صورت می‌گیرد. بعد از شهرهای پایتختی، شهرهای مهم و مراکز استان‌های دیگر کشور، مورد توجه مهاجران قرار می‌گیرد (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). با یک نگاه به نرخ رشد جمعیت شهرهای بزرگ و به ویژه کلان شهرهای کشور طی دوره‌های مختلف سرشماری جمعیت، می‌توان به شدت و ضعف مهاجر پذیر بودن اینگونه شهرها پی برد. از این رو کلان شهرها بزرگ و بزرگتر می‌شوند و با توجه به توسعه بی‌رویه، برای خود و مناطق پیرامون و حتی برای کشور مشکلاتی را به بار می‌آورند (وکیلی، ۱۳۸۷: ۲۶).

بطور مثال درمورد رشد کلان‌شهرها می‌توان به این نمونه اشاره نمود که، در برابر ابرشهرهایی نظیر لندن و نیویورک که دارای بیش از ده میلیون سکنه در اوایل دهه ۱۹۶۰ بودند، شهرهایی نظیر مکزیکوسیتی، ساوپائولو و کلکته در حال حاضر بیش از آن تعداد جمعیت دارند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۶۰). بنابراین همزمان با رشد جمعیت و شهرنشینی در چند دهه اخیر و شکل‌گیری مناطق کلان شهری، مسائل عدیده‌ای در این مناطق شکل گرفته و مدیریت شهری را با چالش‌های فزاینده‌ای ناشی از رشدی فراتر از ظرفیت‌های پاسخگو، مواجه ساخته است. گستردگی چالش‌های اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی نوعی واکنش منفی را نسبت به شهرنشینی شتابان در این کشورها دامن زد که منشا طرز تلقی «شهر ستیزی» و گاه «روستازدگی» و خواست عمومی برای مهار رشد سریع شهرها شد (متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵: ۶۱).

راهی که دولتها در کشورهای در حال توسعه از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای مقابله با این رشد جمعیت انتخاب می‌کنند، عنصر فوق‌العاده مهمی در موفقیت یا شکست استراتژیهای بلند مدت آنهاست (تودارو، ۱۳۶۷: ۱۰). بدین منظور مسائل و مشکلات ناشی از مهاجرت و گسترش بیش از اندازه کلان شهرها؛ سیاست‌گذاران و دولتمردان را به فکر چاره‌اندیشی انداخته است تا در این راستا و مقابله با این پدیده، خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی را طرح‌ریزی و به مورد اجرا بگذارند. واکنش اکثر دولتها در مقابله با این روند مهاجرت، با توجه به مطالعه ایی که سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ که ۱۶۹ کشور را مورد بررسی قرار داده بود، نشان می‌دهد که از ۱۶۹ کشور ۱۴۱ کشور دارای سیاست‌های کاهش سرعت یا معکوس کردن روندهای جاری بودند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۶۷). همچنین شماری از کشورهای جهان برای تنظیم جابه‌جاییهای جمعیتی و کنترل مهاجرت، سیاست‌ها و تدابیری را اتخاذ کرده‌اند که عمدتاً بر دوگونه بوده است: ۱. برخورد مستقیم با استفاده از قانون و امکانات نظامی و اعمال فشار. ۲. برخورد غیر مستقیم از طریق اجرای یک سلسله طرح‌ها و برنامه‌های ضربتی، اقتصادی و اجتماعی (فرجادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). علاوه بر آن دولتها در قبال حل مسائل کلان شهرها و کنترل مهاجرت روستا به شهر به تدابیری از جمله، توسعه عمران روستایی، تقویت شهرهای متوسط و کوچک، ایجاد شهرهای کوچک جدید، انتقال پایتخت پرداخته و مورد توجه قرار داده‌اند (فرجادی، ۱۳۸۲: ۵۰ - ۱۱۰).

در ایران نیز، در حال حاضر از دغدغه‌ها و اولویتهای اساسی دولت توجه به روستاها، مناطق توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته است، این عدالت محوری و توجه با سرمایه‌گذاری و ایجاد مراکز فعالیت و خدمات در نگهداشت

جمعیت در این مناطق موثر است و از شدت مهاجرت این مناطق به سوی شهرهای بزرگ و به خصوص تهران می‌کاهد (وکیلی، ۱۳۸۷: ۲۹).

در سال‌های اخیر پدیده رشد بی‌قاعده جمعیتی کلان‌شهرهای در ایران نیز سرعت یافته است که البته این پدیده کلان‌شهرها در ایران نیز همانند سایر کشورهای دنیا در اثر مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهر شکل گرفته است. بدین خاطر مسئولان و سیاست‌گذاران در ایران، برای کنترل رشد بی‌رویه کلان‌شهرها و همچنین آثار و پیامدهای منفی حاصل از رشد کلان‌شهرها سیاست‌هایی را در جهت کنترل رشد کلان‌شهرها و همچنین کنترل مهاجرت بی‌رویه به سوی کلان‌شهرها، اتخاذ می‌نمایند، که از جمله این سیاست‌ها، «سیاست مهاجرت معکوس» در شکل‌های مختلفی چون طرح انتقال کارمندان به خارج از تهران، طرح انتقال شرکت‌ها و سازمان‌ها از تهران به سایر شهرستان‌ها می‌باشد.

بنابراین در این تحقیق، به بررسی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت ایران از جمله (سیاست‌ها و تشویق‌های اقتصادی و اجتماعی و اداری و سازمانی پیشنهادی دولت) در قبال مهاجران و تاثیر این سیاست‌ها بر تمایل به مهاجرت معکوس با مهاجرت برگشتی مهاجران پرداخته شده است. در این تحقیق کارمندان دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی ساکن در شهر تهران را به عنوان جامعه آماری انتخاب نموده‌ایم.

بیان مسئله

جمعیت تهران که در حدود ۲۰۰ سال پیش در اوایل دوره قاجار و انتخاب آن به مرکز پایتخت، کمتر از ۱۵ هزار نفر بود، در اواخر دوره قاجار در سال ۱۳۰۰ شمسی به کمی بیش از ۲۰۰ هزار نفر و در سال ۱۳۲۰ به اندکی بالاتر از ۵۰۰ هزار نفر رسید. پس از آن در پی تحولات داخلی ناشی از تغییرات نقش ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، در جریان وقایع بعد از جنگ جهانی دوم، آهنگ رشد گسترش تهران شدت بیشتری پیدا کرد و جمعیت آن در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱/۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۴۵ به حدود ۲/۷۲ میلیون نفر افزایش یافت. طی این مدت، به رغم اینکه جمعیت تهران در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۰۰ حدود ۱۳ برابر شده بود، به لحاظ جغرافیایی، رشد و گسترش کالبدی آن به طور پیوسته و در اطراف هسته قدیمی آن صورت گرفت و هنوز در خارج از آن تاثیر چندانی نگذاشته بود (متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵: ۶۳).

آمار نشان می‌دهد که بیش از سه دهه و نیم گذشته در فاصله سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۴۵ در حالی که جمعیت محدوده‌های قانونی شهر تهران حدود ۲/۷ برابر شده و از ۲/۷۲ میلیون نفر به ۷/۴۴ میلیون نفر رسیده، لذا توسعه و رشد این مجموعه از دیرباز جزء در برخی از نقاط آن، که طرح جامع داشته، تابع هیچ نوع سیاست و راهبردی و برنامه‌ای نبوده است (متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵: ۶۴).

باتوجه به اینکه استان تهران در طول دوران پایتختی دارای قطب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و علمی بوده است، به این منظور خیل عظیم مهاجران را سالانه به سوی خود جذب نموده است. با نگاه اجمالی به روند آمار مهاجرت در استان تهران نیز این امر را به طور واضح نشان می‌دهند؛ که در دوره ۶۵-۱۳۵۵ بیش از ۱۲۵۲ هزار نفر وارد استان تهران شده‌اند. همچنین در سال ۱۳۶۵ بیش از ۴۴۴ هزار نفر و در سال ۱۳۷۵ بیش از یک میلیون نفر به استان تهران وارد شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). در فاصله

سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدوداً ۱۲ میلیون نفر در داخل کشور جابجا شده‌اند. از مجموع ۱۲ میلیون نفر که محل اقامت خود را تغییر داده‌اند ۸۹۹۹۷۰۹ نفر (۷۴/۱ درصد) در نقاط شهری ساکن شده‌اند. نزدیک به یک سوم از این مهاجرت‌ها (۳۰/۱۳) به مقصد استان تهران انجام شده است (قاسمی اردهایی و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۱۶). این میزان مهاجرت و روند افزایش نرخ رشد جمعیت در مناطق اطراف تهران و به خصوص شهرهای هم‌جوار با تهران در جذب این جمعیت، کانون‌های جمعیتی نبوده و به مرور مشکلاتی را برای این مناطق ایجاد می‌کند (وکیلی، ۱۳۸۷: ۲۹).

مهاجرت به شهرهای بزرگ یکی از مسائل و مشکلات اساسی دولت‌ها در کشورهای مختلف بویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. با گسترش بی‌رویه مهاجرت، علیرغم وجود نرخ بیکاری قابل توجه در مناطق شهری و همچنین بروز مشکلات اجتماعی، مطلوب بودن این پدیده مورد تردید قرار گرفت. بسیاری از مشاغل غیر رسمی، اسکان نامطلوب مهاجران، آلودگی زیست محیطی و بروز مسائل اجتماعی از قبیل بزهکاری، دزدی و غیره... از جمله نتیجه مهاجرت به شهرهای بزرگ بویژه کلان شهر تهران است و این مسئله نگرانی‌های قابل توجهی را برای دولت ایجاد کرده است (قویدل و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

در این زمینه دولت سعی کرده است تا با توسل به سیاست‌هایی از جمله توسعه عمران روستایی، تقویت شهرهای متوسط و کوچک و انتقال پایتخت، روند مهاجرت به سوی کلان شهرهایی مانند تهران را به مناطق خارج از تهران هدایت نماید. تداوم این سیاست‌ها در قالب یک برنامه ریزی راهبردی منسجم و غیر بخشی و سپس تبدیل آن به مجموعه‌ای از قوانین، دستورالعمل‌ها و اقدام‌های اجرایی مشارکت مردمی و بخش خصوصی سرعت را برای رسیدن به اهداف عالی نظام سند چشم‌انداز توسعه کشور فزونی می‌بخشد (وکیلی، ۱۳۸۷: ۲۹).

در سال‌های اخیر در ایران دولت، برای مقابله با روند افزایش میزان مهاجرت به کلان‌شهر تهران تلاش کرده است تا به اجرای سیاست مهاجرتی معکوس بپردازد و در این زمینه انتقال کارمندان از تهران به شهرستان‌ها به عنوان یکی از اهداف بوده است. ما در این تحقیق بر آن هستیم تا بررسی نماییم که مشوق‌های پیشنهادی دولت برای کارمندان مهاجر مورد نظر، به عنوان یکی از اقشار جامعه در ادارات شهر تهران چقدر در تمایل آنها برای خروج از تهران تأثیر گذاشته است؟ لذا این تحقیق به دنبال پاسخگویی به دو سوال مشخص ذیل است:

الف) در حال حاضر (۱۳۹۰) سیاست‌های تشویقی دولت برای مهاجرت معکوس کارمندان کدام‌ها هستند؟
ب) این سیاست‌ها در ایجاد تمایل به مهاجرت به خارج از تهران در بین کارمندان تهرانی چقدر مؤثر بوده است؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر، سنجش و تحلیل «بررسی اثرات سیاست‌های تشویقی دولت در تمایل به مهاجرت معکوس بین کارمندان دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی» می‌باشد. تأثیرات سیاست‌های تشویقی دولت می‌تواند از طریق یک سری از متغیرها صورت پذیرد. بنابراین برای پی بردن به اهمیت هر یک از متغیرها در تمایل به مهاجرت معکوس اهداف فرعی (جزئی) مدنظر قرار گرفته شده است.

• بررسی و شناخت هر یک از سیاست‌های تشویقی دولت مانند دادن زمین، وام، افزایش حقوق ماهیانه و در نظر گرفتن سایر مزایا به کارمندان.

• شناخت میزان اثرگذاری هر یک از اقلام تشویقی دولت در ایجاد تمایل به مهاجرت معکوس به شرح ذیل:

۱. مشوق‌های اقتصادی: دریافت وام با شرایط آسان، افزایش حقوق کارمندان، تسهیلات بانکی (وام خرید مسکن، وام تعمیرات مسکن، وام ودیعه مسکن، وام ساختن مسکن)، واگذاری زمین، اقساط بندی پرداخت آب و برق و گاز.

۲. مشوق‌های اجتماعی: هدیه از دواج، امکانات ورزشی و بهداشتی رایگان، خدمات درمانی و اجتماعی، تسهیلات ویژه برای فرزندان کارمندان.

۳. مشوق‌های اداری و سازمانی: امتیازات برای خدمت در مناطق محروم، امکان استفاده از کارکنان قراردادی و پیمانی، یک ماه مرخصی تشویقی، گروه تشویقی برای کارمندان، ارتقاء رتبه اداری.

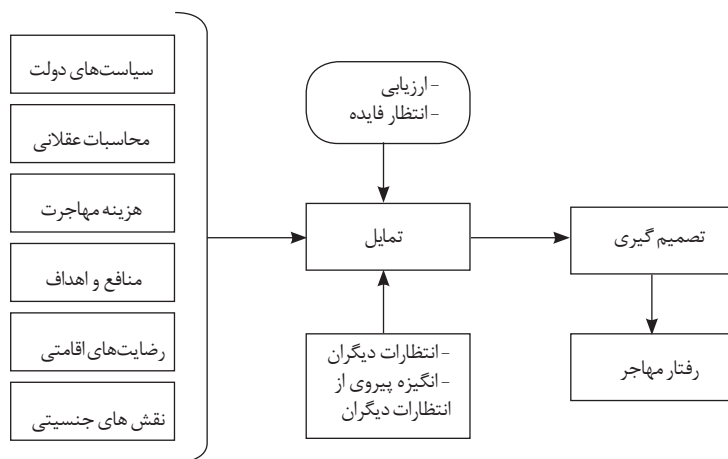
• کدام کارمندان پاسخ مثبت و کدامیک پاسخ منفی به سیاست های تشویقی دولت داده‌اند؟

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق از نظریه‌هایی استفاده شده است، که توسط آن بتوان تاثیر سیاست‌های تشویقی دولت بر تمایل به مهاجرت به خارج از شهر تهران را سنجید. نظریه راونشتاین بیان می‌نماید که هر جریان مهاجرت روستایی به شهر یک جریان متقابل کوچ برگشتی از شهر به روستا را دنبال دارد و همچنین این یکی از قوانین مهاجرت راونشتاین می‌باشد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۰).

طبق این رویکرد اگر مهاجر موقعیت و فرصت بهتری در مکان‌های غیر کلان شهر بوجود بیاید احتمال دارد که تصمیم و اقدام به مهاجرت برگشتی نماید. لی نیز بیان می‌دارد که فرد با توجه به عوامل‌های دافعه و جاذبه در مبدا و مقصد و همچنین موانع موجود در سر راه مهاجران، اقدام و تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. طبق رویکرد لی افراد در صورتی تمایل به مهاجرت دارند که عوامل دافعه در مبدا بیشتر از عوامل جاذبه باشد و همچنین عوامل جاذبه در مقصد بیشتر از عوامل دافعه باشند. نظریه سرمایه انسانی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، بیان می‌کند ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود (کازمی‌پور و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

در این تحقیق چون جامعه آماری داری شغل و درآمد می‌باشند، لذا اگر فرصتی بوجود بیاید که شغل و درآمد آنان بهتر از وضعیت موجود باشد، تمایل به مهاجرت معکوس آنها بیشتر خواهد بود. همچنین در نظریه عمل بخردانه، نظریه عمل توام با منطق و فرایند مهاجرت افراد فایده و منافع و اهداف خود را با توجه به شرایط و وضعیت موجود خودشان را و همچنین عوامل اجتماعی و اداری و سازمانی موثر در این فرایند را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهند و در صورت تطابق اهداف و خواسته‌های آنان با مشوق‌های مهاجرتی تمایل آنها به مهاجرت به خارج از تهران بیشتر خواهد شد.



شکل (۱): تمایل مهاجر در روند تصمیم‌گیری برای مهاجرت (منبع: نگارندگان)

تمایل به مهاجرت یک نوع آمادگی روانی مهاجر است که تحت تاثیر عوامل مختلف در ذهن فرد شکل می‌گیرد و در نهایت فرد مهاجر با توجه به وضعیت و شرایط موجود فرد به مرحله تصمیم‌گیری در زمینه مهاجرت می‌رسد و پس از تصمیم‌گیری تغییراتی در رفتار فرد مهاجر بوجود می‌آید. این تغییرات در رفتار فرد مهاجر می‌تواند تبدیل به اقدام به مهاجرت یا عدم مهاجرت شود. این روند در شکل (۱)، مشخص شده است.

با توجه به مطالب و دیدگاه‌های نظری که بیان گردید، ملاحظه می‌شود که نظریه‌های مختلفی برای بررسی و تحلیل روند تصمیم‌گیری مهاجرت وجود دارد و نقشی که سیاست‌های تشویقی دولت می‌تواند در این روند مهاجرت معکوس داشته باشد، این است که بعنوان یک محرک بیرونی می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری فرد اثر داشته باشد. با توجه به رویکرد نظری ارائه شده در این تحقیق، مهمترین متغیرها برای سنجش و پیش‌بینی تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان جامعه آماری این تحقیق، می‌توان از مقولات و مفاهیم مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری - سازمانی که از آنها به عنوان سیاست‌های تشویقی دولت و به عنوان متغیرهای اصلی برای تمایل به مهاجرت معکوس اثر گذار می‌باشند، در نظر گرفته شده است و این متغیرها می‌تواند تحت تاثیر متغیرهای مداخله‌ای و غیر مستقیم همچون هزینه مهاجرت، ویژگی‌های فرد مهاجر، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجر و وضعیت مهاجرتی مهاجر در زمینه تمایل به مهاجرت معکوس موثر واقع گردد.

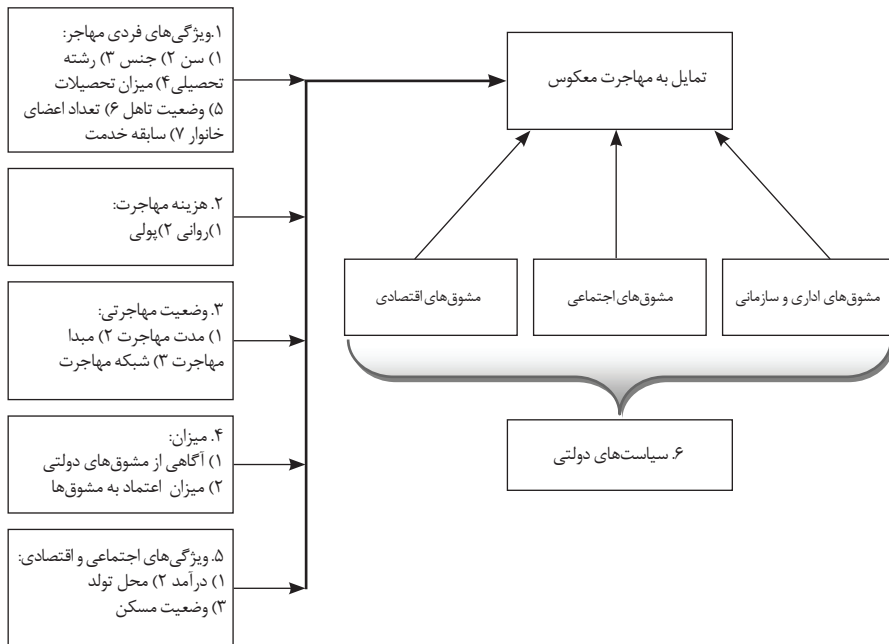
با توجه به مدل تحلیلی، منظور از مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری سازمانی طبق مصوبه دولت به شرح زیر می‌باشند:

۱. مشوق‌های اقتصادی شامل: دریافت وام با شرایط آسان، افزایش حقوق کارمندان، تسهیلات بانکی (وام خرید مسکن، وام تعمیرات مسکن، وام ودیعه مسکن، وام ساختن مسکن)، واگذاری زمین، اقساط بندی پرداخت هزینه‌های آب و برق و گاز.

۲. مشوق‌های اجتماعی شامل: هدیه ازدواج، امکانات ورزشی و بهداشتی رایگان، خدمات درمانی و اجتماعی، تسهیلات ویژه برای فرزندان کارمندان.

۳. مشوق‌های اداری - سازمانی شامل: در نظر گرفتن امتیازات برای خدمت در مناطق محروم، امکان استفاده از کارکنان قراردادی و پیمانی، یک ماه مرخصی تشویقی برای کارمندان، ارتقاء رتبه اداری، گروه تشویقی برای کارمندان.

با توجه به مدل تحلیلی تحقیق، مشوق‌های اقتصادی، مشوق‌های اجتماعی و مشوق‌های اداری و سازمانی متغیرهای اصلی در این تحقیق می‌باشند. همچنین هزینه مهاجرت، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و وضعیت مهاجرتی (مدت مهاجرت، مبدا مهاجرت، شبکه مهاجرت) مهاجر، متغیرهای واسطه‌ای و مداخله‌گر در تمایل به مهاجرت معکوس در این تحقیق می‌باشند.



شکل (۲): تعیین کننده‌های تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان دولتی

روش شناسی

در تحقیق حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری را کلیه کارمندان مشغول در دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی شهر تهران در جمع آوری اطلاعات تشکیل می‌دهد. بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۱۳۹۰ جمعاً ۲۴۷۱ نفر کارمند در دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی شهر تهران شاغل بوده‌اند. نمونه آماری تحقیق شامل ۳۱۹ نفر کارمند وزارت جهاد کشاورزی است که بر اساس قواعد تعیین حجم نمونه^۱ و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند.

جهت سنجش تحلیل‌های آماری داده‌ها، برآورد اعتبار^۲ و قابلیت اعتماد^۳ متغیرها و نیز در آزمون فرضیات، از آمار توصیفی و استنباطی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، آزمون اسپیرمن، آزمون دی‌سامرز، آزمون و آزمون کای اسکوار جهت شناخت همبستگی و رابطه معناداری استفاده شده است.

برای سنجش پایایی سنج‌های تحقیق، گویه‌ها و سوالات مورد نظر حدود یک دهم حجم نمونه آماری (۵۰ نفر) مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و پس از جمع آوری اطلاعات و استخراج نتایج پایایی پرسشنامه محاسبه گردید و مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق در آزمون مقدماتی به صورت زیر در جدول بدست آمده است.

مقدار آلفا	متغیرهای اصلی
۰/۹۱۷۰	تمایل به مهاجرت معکوس
۰/۹۳۹۳	مشوق‌های اقتصادی
۰/۹۲۷۸	مشوق‌های اجتماعی
۰/۹۶۳۰	مشوق‌های اداری و سازمانی

یافته‌ها

توزیع فراوانی و درصدی کارمندان نمونه وزارت جهاد کشاورزی تحت مطالعه نشان می‌دهد که ۶۰/۵ درصد این افراد مرد و ۳۹/۵ درصد زن هستند. ۱۰/۴ درصد ۲۳ تا ۳۰ ساله، ۳۷/۷ درصد ۳۹ تا ۴۶ سال بوده، میانه و میانگین سنی به ترتیب ۴۲ و ۴۱ سال است. به لحاظ سطح تحصیلات، ۴۷/۳ درصد دارای مدرک لیسانس، حدود ۱/۶ درصد نیز زیر دیپلم هستند. از لحاظ سابقه خدمت، ۴۴/۸ درصد ۹ تا ۱۶ سال، ۲ درصد نیز ۲۵ سال به بالا سابقه خدمت داشتند.

۸۵/۳ درصد از افراد تحت مطالعه متاهل و ۱۴/۷ درصد مجرد هستند. همچنین از لحاظ محل تولد، ۴۲ درصد در شهر تهران و ۵۸ درصد در جاهای دیگر به دنیا آمده‌اند. از نظر وضعیت مسکن ۶۲/۲ درصد افراد مورد مطالعه دارای مسکن شخصی، ۱/۳ درصد افراد جامعه آماری وضعیت مسکن شان مشخص نبود.

$$1. n = \frac{Nt^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)}$$

2. validity
3. Reliability

بطور کلی، ۵۴/۱ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند که تمایل کم و خیلی کمی برای مهاجرت معکوس دارند و در مقابل ۱۹/۴ درصد نیز اظهار نموده‌اند که تمایل زیاد و خیلی زیاد برای مهاجرت معکوس دارند. همچنین میانگین تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان بخاطر مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری - سازمانی به ترتیب ۱/۷۳، ۱/۶۵ و ۱/۸۹ می‌باشد، از آنجا که دامنه تغییرات شاخص بین ۱ تا ۵ واحد بوده است و میانگین نمره پاسخگویان زیر ۲ می‌باشد، نشان دهنده آن است که مشوق‌های پیشنهادی دولت تمایل کمی برای مهاجرت معکوس در بین کارمندان ایجاد نموده است.

بطوری که ۷۹/۲ درصد از کل پاسخگویان اظهار نموده‌اند که مشوق‌های اقتصادی دولت تمایل کم و خیلی کم در آنها برای مهاجرت معکوس ایجاد نموده است. در مقابل حدود ۶/۳ درصد از کل پاسخگویان گفته‌اند که مشوق‌های اقتصادی دولت بر تمایل به مهاجرت معکوس آنها اثر زیاد و خیلی زیاد داشته است. ۸۲ درصد از کل پاسخگویان بیان کرده‌اند که مشوق‌های اجتماعی دولت تمایل کم و خیلی کم در آنها برای مهاجرت معکوس ایجاد نموده است. در مقابل ۹/۱ درصد گفته‌اند که مشوق‌های اجتماعی دولت بر تمایل به مهاجرت معکوس آنها اثر زیاد و خیلی زیاد داشته است. همچنین ۷۵/۵ درصد از کل پاسخگویان در مورد مشوق‌های اداری و سازمانی دولت اظهار نموده‌اند که تمایل کم و خیلی کم در آنها برای مهاجرت معکوس ایجاد نموده است. حدود ۱۰/۹ درصد از کل پاسخگویان گفته‌اند که مشوق‌های اداری و سازمانی بر تمایل به مهاجرت معکوس آنها اثر زیاد و خیلی زیاد داشته است.

در مورد میزان آگاهی و اعتماد پاسخگویان به مشوق‌های دولتی در زمینه خروج از تهران، ۲۸/۶ درصد از کل پاسخگویان به مشوق‌های پیشنهادی دولت در زمینه خروج از تهران آگاهی کم و خیلی کم دارند، در مقابل ۲۸/۳ درصد از پاسخگویان آگاهی زیاد و خیلی زیاد دارند. همچنین ۶۳/۹ درصد از کل پاسخگویان در این تحقیق به مشوق‌های دولت، اعتماد کم و خیلی کم دارند و در مقابل ۷/۴ درصد اعتماد زیاد و خیلی زیاد دارند.

۷۸/۱ درصد از پاسخگویان مانع اصلی عدم اثر بخشی مشوق‌های دولت در زمینه خروج کارمندان از تهران را، تحقق نیافتن و عملی نشدن سیاستهای پیشنهادی که دولت برای خروج کارمندان در نظر گرفته بود، بیان نموده‌اند. بعد از این عامل یعنی ۹/۲ درصد از پاسخگویان امکانات و جاذبه‌های شهر تهران را موانع اصلی عدم اثر بخشی مشوق‌های دولت ارزیابی نموده‌اند.

۳۹/۸ درصد از پاسخگویان در این تحقیق گفته‌اند که تحت هیچ شرایطی از شهر تهران مهاجرت نمی‌کنند. در حالی که ۳۶/۶ درصد نیز اظهار کرده‌اند که در صورت ارائه امکانات در شهرستان‌ها مانند سطح امکانات شهر تهران، از تهران مهاجرت می‌کنند.

آزمون فرضیات نشان داد که در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت معکوس در بین کارمندان، اثر متغیرهای سن، جنس، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات، سابقه خدمت، مدت اقامت در مقصد، شبکه مهاجرت، وضعیت مسکن، محل تولد، وضعیت تاهل، میزان اعتماد به مشوق‌های دولتی با تمایل به مهاجرت معکوس معنی‌دار نشدند و مورد تأیید قرار نگرفت.

در مقابل، فرضیه‌های زیر به لحاظ آماری معنی‌دار شناخته شد و تأیید شدند.

- بین مشوق‌های اقتصادی دولتی و تمایل به مهاجرت معکوس کارمندان رابطه معناداری وجود دارد. این

فرضیه با سطح اطمینان ۰/۹۵ تایید شد.

- بین مشوق‌های اجتماعی دولتی و تمایل به مهاجرت معکوس کارمندان رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه با سطح اطمینان ۰/۹۵ تایید شد.

- بین مشوق‌های اداری و سازمانی دولت و تمایل به مهاجرت معکوس کارمندان رابطه معناداری مشاهده شد. این فرضیه نیز با سطح اطمینان ۰/۹۵ تایید شد.

- بین آگاهی از مشوق‌های دولت و تمایل به مهاجرت معکوس کارمندان رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه با سطح اطمینان ۰/۹۵ تایید شد.

البته لازم به ذکر است اگر چه فرضیات فوق معنادار شده اند، اما روابط بین متغیرها مستقیم و بسیار ضعیف بوده است.

- بین ارزیابی هزینه مهاجرت و تمایل به مهاجرت معکوس کارمندان رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه با سطح اطمینان ۰/۹۵ تایید شد، رابطه معنادار بودن نشان می‌دهد که در این تحقیق، ارزیابی هزینه مهاجرت در تمایل به مهاجرت معکوس جامعه آماری این تحقیق به صورت مستقیم و به طور متوسط تاثیر گذار بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تمایل به مهاجرت معکوس زمانی در فرد شکل می‌گیرد که فرد از یک سو آمادگی روحی - روانی قبلی برای آن داشته باشد و از سوی دیگری منافع مهاجرت بر هزینه‌ها آن پیشی بگیرد، لذا این تمایل طی فرایند زمانی نسبتاً مدت دار شکل خواهد گرفت و برآیندی از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سایر مسائل مربوط به افراد و آمادگی روانی - ذهنی برای مهاجرت است.

تصمیم‌گیری در این مورد که چه کسی، چه وقت و به کجا مهاجرت کند اغلب بخشی از سیاست خاص خانوارها برای بالا بردن سطح کیفیت زندگی خودشان است. علاوه بر این، تصمیم خانوار در خلاء گرفته نمی‌شود، بلکه تحت تاثیر فضای اقتصادی - اجتماعی جامعه قرار دارد که خانوار در آن به سر می‌برد. تمایل به مهاجرت معکوس زمانی در فرد بوجود خواهد آمد که فرد با مهاجرت نمودن اهداف و منافعش به خطر نیفتد و مهاجرت مطابق با امیال و انتظاراتش باشد و در این موقعیت تمایل به مهاجرت در فرد به شکل منطقی و عقلانی جلوه گر خواهد شد.

بنابراین اهداف اصلی تمام برنامه‌ها از جمله سیاست‌های مهاجرتی بایستی در خدمت توسعه و رفاه مردم باشد، کنترل مستقیم جابجایی‌های جمعیتی و جلوگیری از مهاجرت به علت مغایرت با اصل آزادی انسان و مغایر با اصول قانون اساسی و تجربیات ناموفق بسیاری از کشورها در مورد مهاجرت کارایی نداشته است، بدین خاطر با توجه به سیاست‌ها و تجارب جهانی از این واقعیت حکایت می‌کنند که باید به سیاست‌های غیر مستقیم و هدایت شونده و فرموله شده در جهت آهسته یا معکوس نمودن مهاجرت در بطن توسعه ملی توجه و مورد استفاده قرار گیرد.

همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهند، مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری - سازمانی دولت تمایل نسبتاً کمی جهت اقدام به مهاجرت معکوس بین کارمندان مورد مطالعه ایجاد نموده است. اگر چه رابطه مشوق‌ها با

تمایل به مهاجرت از نظر آماری معنادار، اما روابط بین آنها بسیار ضعیف است، لذا می‌توان گفت مشوقها در صورتی می‌توانند بر تمایل به مهاجرت مؤثر واقع گردند که سایر شرایط و زمینه‌ها فراهم گردد.

اولین شرط در این زمینه آن است که کارمندانی که مایل به خروج هستند اطمینان حاصل کنند، که وعده‌ها و مشوق‌های دولت عملی خواهد شد. شرط دوم آن است که نابرابری و عدم عدالت در سطح توسعه بین شهرستان‌ها و مراکز استانها بویژه تهران برطرف گردد، زیرا همچنان که ملاحظه شد، تعداد زیادی از کارمندان (حدود ۴۰ درصد) اظهار نموده‌اند که اگر شرایطی مثل شهر تهران، در شهرستانها هم بوجود بیاید، آنها حاضرند در شهرستانها زندگی کنند. البته بخش قابل ملاحظه‌ای از کارمندان هم، تحت هیچ شرایطی از شهر تهران خارج نمی‌شوند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان گفت با برنامه‌های بلندمدت و اطمینان بخش می‌توان زمینه مهاجرت معکوس را در شهر تهران فراهم نمود. برنامه‌ها و سیاستهای مهاجرت معکوس نیابستی مقطعی و گذرا باشد، از طرفی باید این برنامه شرایط افراد، مبدا و مقصد مهاجرت افراد را در نظر بگیرد.

آنچه در اینجا ضروری است، که بدان اشاره گردد، این است که در زمینه اجرای موفقیت آمیز سیاست‌های مهاجرتی معکوس استفاده از اهداف و روش‌های برنامه‌هایی مانند آمایش سرزمین در این زمینه مفید و مؤثر خواهد بود. هدف از برنامه‌های آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیت در سرزمین، به منظور بهره برداری از امکانات آن، همچنین مشخص کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه بر اساس قابلیت‌های آن به طور هماهنگ با دیگر مناطق، در طولانی مدت است.

رشد و توسعه، جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، باورهای فرهنگی جامعه، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر و محرومیت در نواحی مختلف کشور است. با این توضیح می‌توان برنامه‌ریزی در مناطق و آمایش سرزمین، سیاست‌های مهاجرتی معکوس را فرایند کارآمد و منطقی نیروها و امکاناتی تلقی کرد که، با هدف ارائه خدمات اجتماعی بهتر به منظور بهبود وضعیت و ارتقای سطح زندگی و رفاه شهروندان به کار گرفته شود.

در مجموع، با توجه به نتایج تحقیق، زمینه‌هایی برای طرح یکسری پیشنهادات بوجود می‌آید:

۱. انجام تحقیقی بر روی مشوق‌ها و تشویق‌های تاثیر گذار در نگه داشتن جمعیت در مناطق مبدا و عدم مهاجرت به کلان شهرها.
۲. مطالعه عوامل تاثیر گذار بر مهاجرت از کلان شهرها به روستاها و شهرهای کوچک
۳. انجام مطالعه در زمینه تاثیر برنامه‌هایی مانند توسعه مناطق، آمایش سرزمین و توسعه روستاها در تمایل به مهاجرت معکوس.
۴. اجراء نمودن قطعی و عملی سیاستهای مؤثر بر مهاجرت از تهران به شهرستان‌ها توسط دولت.
۵. توزیع امکانات و جاذبه‌های موجود در تهران بصورت یکسان در بین تهران و سایر شهرستانها.
۶. اطلاع رسانی و آگاه نمودن کارمندان نسبت به مشوق‌ها و جلب اعتماد کافی نسبت به مشوق‌ها توسط دولت.
۷. تقویت شهرهای کوچک و ارائه امکانات رفاهی و اجتماعی همانند تهران در آن شهرها.

منابع

۱. اوپرای، اس (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، مترجم فرهنگ ارشاد، تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی
۲. تودارو، مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، مترجم مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: انتشارات دفتر بین‌المللی کار.
۳. سرمد، زهره (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
۴. فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۲). مهاجرت و اشتغال در استان تهران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران.
۵. قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۸). «پیامدهای مهاجرت- روستا شهری نسل جوان روستایی»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان.
۶. قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵). «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹)»، فصلنامه روستا و توسعه.
۷. قاسمی، علی و حسینی راد، علی (۱۳۸۷). «جریان مهاجرت داخلی ایران طی ۷۵-۱۳۸۵»، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۵-۶۶.
۸. قوبدل، صالح و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی روند و علل مهاجرت به کلان شهر تهران با تاکید بر شهرستان فیروز کوه»، فصلنامه علوم اقتصاد، پیش شماره اول.
۹. قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۴). «مدل‌های ساختار کواریانس یا مدل‌های لیزرل در علوم اجتماعی»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲، دانشگاه تبریز.
۱۰. کاظمی پور، شهلا و قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۶). «تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوم، شماره ۳.
۱۱. لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، مترجم حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. وکیلی، سعید (۱۳۸۷). «لزوم نگرش آمایشی در برنامه‌ریزی برای کلان شهر تهران»، هفته‌نامه برنامه، سال هفتم.
۱۳. متوسلی، محمد مهدی و اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۵). «رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلاتشهری (نمونه موردی: منطقه کلاتشهری تهران)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸.

14. Atash, Farhad and Y. S. Shirazi beheshtiha (1998). »New towns and their practical challenges: The experience of Poulad Shahr in Iran«, Habitat International, Vol.22 ,No.
15. Anh. N (2003), "Internal Migration Policies in ESCAP Region", Asia – Pacific Population Journal, Vol. 18 No.3, PP(145 -123).
16. Young, Y.M. (1986), "Controlling Metropolitan, Growth in Eastern Asia", Geographical Review, Vol.76, No.2. PP. (137-125).

